



جام جم آنلاین: اوایل سال جاری خورشیدی، باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا راهی آمریکای لاتین شد. سفر اوباما به آمریکای لاتین در حالی بود که این منطقه در ۱۰ سال گذشته توان اقتصادی و سیاسی چشمگیری پیدا کرده و نفوذ و قدرت واشنگتن در آن منطقه با رقابت رقبای جدی مواجه شده است.

شاید عمدهترین رقیب آمریکا در حوزه آمریکای لاتین جمهوری اسلامی ایران است که طی سالهای اخیر با افزایش نفوذ خود این حیاط خلوت را به حیاط خطر آمریکا تبدیل کرده است.

به باور بسیاری آمریکا بسامدهای این خطر را دریافته است و سفر اخیر اوباما را باید چرخشی در این روند و هموردی با ایران در آمریکای لاتین ارزیابی کرد، به ویژه آن که مقصد اصلی سفرهای سهگانه وی برزیل بود؛ کشوری که اکنون به گرانگانه مناسبات ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین تبدیل شده است.

البته اوباما ۴ ماه پس از به قدرت رسیدن و در آوریل ۲۰۰۹ راهی آمریکا ی لاتین شد و در اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا گفت که خواهان مناسباتی متوازن و مبتنی بر حقوق برابر و احترام متقابل با آمریکای لاتین است.

این اظهارات اوباما در ابتدا نمادی از دیپلماسی تغییر وی در حوزه آمریکای لاتین بود؛ حوزه‌ای که پیش از وی و در دوران جورج بوش پسر به خاطر توجه به خاورمیانه و عراق و افغانستان عملاً نادیده گرفته شده بود.

بی‌توجهی و غفلت‌انگاری ایالات متحده نسبت به کشورهای آمریکای جنوبی سبب همگرایی منطقه‌ای این کشورها و توسعه مناسبات با کشورهای روسیه، چین و ایران شد.

توسعه و تعمیق روابط ایران و برزیل در طول سال‌های آخر ریاست جمهوری لولاداسیلوا و اوایل ریاست جمهوری احمدی‌نژاد شکل گرفت. در دور دوم انتخابات اخیر ریاست جمهوری برزیل نیز دیپلما روسف توانست به عنوان نخستین رئیس‌جمهور زن بزرگترین کشور آمریکای جنوبی به جای لولا داسیلوا تکیه زند.

با توجه به این‌که وی در دوران ریاست جمهوری داسیلوا، رئیس دفتر وی بود و با حمایت‌های داسیلوا توانست در انتخابات به پیروزی برسد، بسیاری تداوم سیاست‌های داسیلوا را از سوی روسف محتمل می‌دانند.

چرا که برخی بر این باورند که وی تنها از قدرت اجرایی رسمی به کنار رفته و رئیس پشت پرده هنوز لولاست؛ کسی که روابط تهران و برازیلیا در دوران ریاست جمهوری وی توسعه یافته و سطح همکاری‌های ۲ کشور با وجود مسافت زیاد رو به گسترش توصیف شده است.

این روابط که در طول ۶ سال گذشته و با چرخش نگاه ایران به آمریکای لاتین وارد مرحله جدیدی شده بود، طی یک سال گذشته با رشد و توسعه چشمگیری مواجه بوده است.

نگرانی فزاینده آمریکا

تمایل کشورهای آمریکای لاتین به ایجاد ساختارهای جدید منطقه‌ای، استمرار حمایت از سیستم چندقطبی جدید در نظام بین‌الملل از طریق فعال‌گرایی در سیاست خارجی، فرصت‌های متعددی را در اختیار ایران قرار داد تا در حیاط خلوت آمریکا، جای پای خود باز کند و در یک راهبردی تهاجمی حیاط خلوت آمریکا را به حیاط خطر این کشور تبدیل کند؛ چرا که گسترش روابط اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای این منطقه از شکست تلاش‌های تحریمی و تهدیدی آمریکا علیه ایران حکایت دارد. محمود احمدی‌نژاد در سفرش به برزیل با استقبالی مواجه شد که انتظار آن از سوی بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا نمی‌رفت.

این استقبال و پهن کردن فرش قرمز توسط لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور سابق برزیل، برای همتای ایرانی‌اش برخلاف رویکرد تبلیغی و رسانه‌ای کشورهای غربی بود.

برزیل به عنوان یکی از کشورهای گروه ۲۰ قدرت اقتصادی، خواهان توسعه نقش خود در سطح نظام بین‌المللی است و توسعه روابط با کشورهای در حال توسعه را مورد اهتمام قرار داده است.



از این رو صادرات برزیل به ایران در سال 2007 رقمی معادل 660 میلیون دلار بود که این رقم در سال 2008 به 1.245 میلیارد دلار رسید. صادرات ایران به برزیل نیز در این مدت از 10 میلیون دلار به 16.7 میلیون دلار افزایش یافته است.

به طور کلی تراز تجاری میان ایران و آمریکای لاتین مثبت است که این امر نشان می‌دهد آمریکای لاتین نقش مهمی در تامین نیازهای ایران دارد. همزمان نیز ایران سهم بزرگی در تامین نیازهای فنی و مهندسی کشورهای این منطقه دارد. در سال 2008 مازاد تجاری آمریکای لاتین با ایران 2.53 میلیارد دلار بوده است.

صادرات آمریکای لاتین به ایران در سال 2008 با رشد 85 درصدی به 2.86 میلیارد دلار رسید. اگر چه در توزیع مناسبات ایران با آمریکای لاتین، روابط ایران و ونزوئلا، الگوئی برای روابط تهران با دیگر کشورهای این منطقه است، اما مناسبات نزدیک تهران و برازیلیا نیز بیش از هر زمان دیگری ایران را به آمریکای لاتین پیوند داده است؛ پیوندی که با مسابقه فوتبال دوستانه و مهمتر از آن توافق هسته‌ای تهران سطح آن افزایش یافته است.

این روابط طی 2 سال گذشته تنگاتنگتر شد؛ البته پیش از این و در جهت گسترش روابط 2 کشور، سلسو آموریم، وزیر امور خارجه سابق برزیل در نوامبر 2008 به ایران آمد و در مقابل، منوچهر متکی، هم‌تای ایرانی‌اش در مارس 2009 به برزیل سفری داشت.

تقویت روابط با برزیل سبب می‌شود تا ایران از این طریق با اتحادیه مرکوسور و اناسور نیز به تبیین و تثبیت روابط خود پردازد؛ روابطی که گستره‌ای وسیع از تجارت و بازرگانی و همچنین جنبه‌های سیاسی را در بر می‌گیرد.

از این رو توسعه مناسبات ایران و برزیل فصل جدیدی را در روابط 2 کشور مهم خاورمیانه و آمریکای لاتین پدید آورده است. بر این مبنا کاخ سفید به سمت تنش‌سازی در روابط تهران و برازیلیا خواهد رفت؛ مساله‌ای که سایه روشن سفر اخیر اوپاما به برزیل را تشکیل داد.

تلاش برای تغییر در رویکردها

مداخله‌گری آمریکا در روابط ایران و برزیل نیز بیشتر بر محمل پرونده هسته‌ای و بحث حقوق بشر استوار است. چنان که برخی گزارش‌ها از این امر حکایت دارد که خانم روسف، رئیس‌جمهور جدید برخلاف لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور پیشین برزیل موضوع حقوق بشر بیشتر تاکید دارد.

تمرکز اصلی کاخ سفید بر مساله حقوق بشر و اعمال فشار بیشتر از طریق این ابزار علیه ایران، سبب رایزنی‌های گسترده با اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل شد.

این دیپلماسی فشار نیز در نهایت سبب شد تا برزیل به قطعنامه اخیر شورای حقوق بشر علیه ایران رای مثبت بدهد؛ این رای برخلاف انتظار بسیاری بود. البته پیش از این حمایت‌های برزیل از ایران در تحولات پرونده هسته‌ای سبب شد تا این کشور به نوعی مغضوب و اشنگتن شود.

تلاش بیهوده رژیم صهیونیستی

تحکیم مناسبات و توسعه مراودات ایران با آمریکای لاتین چندی است که زنگ‌های خطر را علاوه بر آمریکا برای رژیم صهیونیستی نیز به صدا در آورده است. در کنار توسعه روابط اقتصادی، افزایش نمایندگی‌های سیاسی از 6 حوزه به 17 حوزه نمایندگی نیز نشان از تعمیق مناسبات ایران با کشورهای حوزه آمریکای لاتین دارد.

تبدیل شدن حیاط خلوت آمریکا به حیاط خطر، نگرانی‌های عمده‌ای را علاوه بر واشنگتن برای تل‌آویو نیز شکل بخشیده است.

این نگرانی تا آنجا تشدید شده است که شیمون پرز، رئیس‌رژیم صهیونیستی برای انجام سفری که اولین دیدار رسمی از این نوع از آمریکای لاتین در طول چند دهه محسوب می‌شود، تنها چند روز پیش از سفر محمود احمدی‌نژاد راهی آمریکای لاتین شد.

این سفر پس از آن صورت گرفت که چند ماه پیش از آن نیز آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه اسرائیل راهی منطقه شده بود، اما این سفرها هیچ‌کدام با دستاوردی ملموس و مشخص همراه نبود. به‌رغم این‌که لای‌های صهیونیستی در آمریکای لاتین خصوصا برزیل و آرژانتین فعال هستند، اما تل‌آویو تاکنون به کمترین نتیجه‌ای در این راه دست نیافته است.

بر این مبنا به نظر نمی‌رسد که تل‌آویو در آینده‌ای نزدیک بتواند در چشم‌انداز روابط خود با کشورهای آمریکای لاتین به اهداف قابل توجهی دست یابد.

رژیم صهیونیستی در چند سال گذشته با مشاهده فعالیت دستگاه دیپلماسی ایران برای تعمیق و گسترش روابط و نفوذ در دور دست‌ترین نقاط جهان ضمن تشدید تکاپو برای گسترش روابط اقتصادی، تجاری، سیاسی و دیپلماتیک خود با کشورهای آمریکای لاتین، تلاش مضاعفی را آغاز کرده است.



بهرغم این‌که آمریکای جنوبی از جمله برزیل در گذشته دور شاهد حضور شیمون پرز بود، اما تحولات عمیق در روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه از جمله اخراج سفیر این رژیم از ونزوئلا و بولیوی و قطع روابط دیپلماتیک آنها با اسرائیل در اعتراض به حمله صهیونیست‌ها به غزه و تلاش بیهوده لیبرمن برای ترغیب برزیل به مخالفت با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، تنها چند نمونه از ناکامی صهیونیست‌ها در منطقه است.

توسعه روابط اقتصادی

پیشینه روابط ایران و برزیل به اوایل قرن بیستم باز می‌گردد؛ 2 کشور نمایندگی‌های سیاسی خود را در کشور مقابل در سال 1903 میلادی دایر کردند. از آن تاریخ به بعد 2 کشور تحولات زیادی در عرصه‌های مختلف و از جمله در زمینه تجاری و بازرگانی داشته‌اند.

پس از به قدرت رسیدن لولا داسیلوا به عنوان رئیس‌جمهور برزیل، وی علاوه بر شرکای سنتی این کشور شامل آمریکا و اتحادیه اروپایی و آمریکای لاتین بر یافتن شرکای جدید دیگر نیز تاکید کرد و پیگیری موضوعاتی درخصوص تحکیم روابط با روسیه، چین و هند و تعمیق روابط با کشورهای مهم حوزه خاورمیانه در دستور کار قرار داد.

در چشم‌انداز توسعه و گسترش روابط جدید، برزیل با جمعیت 200 میلیون نفری یکی از بزرگترین قدرت اقتصادی و قطب‌های مهم صنعتی جهان است که می‌تواند در بهبود صادرات ایران نقش مهمی داشته باشد.

از این رو بازار ایران برای برزیل با جذابیت‌ها و علاقه‌مندی خاصی همراه بود. این جذابیت‌ها سبب شد تا این کشور با وجود ممانعت و محدودیت اروپا و آمریکا همچنان مشتاق توسعه و تحکیم روابط با ایران به‌رغم اعمال تحریم‌ها باشد.

با این حال این کشور در جغرافیایی قرار گرفته است که در عمق چرخش به آمریکای لاتین ایران قرار دارد؛ ایران در طول 6 سال اخیر سرمایه‌گذاری‌های زیادی در حوزه‌های صنعتی و کشاورزی در این جغرافیا داشته است.

در سال 2007 ایران نخستین بازار محصولات صادراتی برزیل در حوزه خاورمیانه بوده و حجم صادرات محصولات برزیل به ایران به رقم 8 میلیارد دلار رسیده است.

بر اساس آمار رسمی وزارت توسعه، صنایع و تجارت برزیل در 6 ماهه نخست سال 2010 صادرات جمهوری اسلامی ایران به این کشور از افزایشی 510 درصدی نسبت به مدت مشابه سال 2009 برخوردار بوده است.

البته در همین مدت صادرات برزیل به ایران نیز 58 درصد رشد داشته است. این آمارها می‌گویند که حجم روابط تجاری تهران و برازیلیا به بالاترین سطح خود رسیده است.

رئیس‌جمهور ایران با تایید استفاده از فرصت همکاری‌های مشترک بر این باور است که حجم مبادلات تجاری ایران و برزیل طی 5 سال آینده به 10 میلیارد دلار افزایش می‌یابد.

جهت‌گیری چنین سطحی از توسعه روابط را تهران منطقی و قابل دسترس می‌داند، چنان‌که بابک افقهی، معاون وزیر بازرگانی می‌گوید که قدمت روابط اقتصادی، فرهنگی و علمی بین ایران و برزیل به بیش از 100 سال پیش باز می‌گردد و تشابهات اجتماعی زیادی بین ایران و برزیل وجود دارد که می‌تواند به افزایش مناسبات تجاری و اقتصادی 2 کشور کمک کند.

البته رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران بعد مسافت جغرافیایی در همکاری‌های اقتصادی ایران و برزیل را بی‌تاثیر می‌داند و می‌گوید که ایران و برزیل می‌توانند در زمینه فناوری ارتباطات و اطلاعات، پروژه‌های تحقیق و توسعه ساخت ماشین‌آلات، خودروسازی، صادرات تکنولوژی و کشتیرانی همکاری‌های مشترک داشته باشند.

برزیل بزرگترین کشور آمریکای جنوبی است و به لحاظ وسعت، جمعیت، امکانات و استعدادهای انسانی و مادی و نیز اثرگذاری سیاسی و فرهنگی در جهان دارای اهمیت است و امروز ایران و برزیل با نگاه مشترک به شرایط جهانی مصمم هستند روابط خود را تقویت و تحکیم بخشند.

این در حالی است که با توجه به روند رو به رشد همکاری‌های اقتصادی و تجاری 2 کشور و علاقه‌مندی راهبردی دوجانبه به نظر می‌رسد حجم این روابط در سال‌های آینده افزایش چشمگیری را شاهد باشد و تنش‌آفرینی و جنجال‌سازی آمریکا و اسرائیل تاثیر چندانی بر این روابط ندارد.